

## دربارهٔ ملخص

### یا شاهجهان نامهٔ محمدطاهر «آشنا» معروف به عنایت خان

دکتر توفیق ه. سبحانی\*

چکیده: شهاب‌الدین محمد، معروف به شاهجهان، یکی از پادشاهان مغول هند (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ه.ق) بوده که در دورهٔ سلطنت او در داخل کشور امنیت و آسایش برقرار بوده است و همین امر باعث پیشرفت‌های علمی و ادبی و فرهنگی بیشتری نسبت به دوره‌های گذشته در هند شد. در دورهٔ سلطنت سی و یک سالهٔ شاهجهان، سی و هشت کتاب به زبان فارسی تدوین و تألیف شد که سیزده عنوان آنها مستقیماً تاریخ دورهٔ شاهجهان است. ملخص یکی از این کتاب‌ها و در واقع سیزدهمین کتاب است. در این مقاله به معرفی این کتاب و مؤلف آن پرداخته شده است.

کلیدواژه: ملخص، شاهجهان، هند، خواجه ابوالحسن تربتی.

بی‌تردید دورهٔ سلطنت شهاب‌الدین محمد معروف به شاهجهان، از درخشان‌ترین دوره‌های امپراطوری مغولان هند بوده است. در طول سی و یک سال سلطنت وی (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ه.ق / ۱۶۲۸-۱۶۵۸ م) هر چند کشور هندوستان از جنگ‌های خونین و طولانی به دور نبوده، اما چون اکثر جنگ‌های این دوره در جاهای دور از محدودهٔ امپراطوری - چون آسام، قندهار و ماوراءالنهر درگرفته بود، در داخل کشور امنیت و

آرامش و آسایش برقرار بود. در دورهٔ پادشاهی این سلطان زمینهٔ پیشرفت‌های علمی و ادبی و فرهنگی نسبت به ادوار قبل و بعد از وی مساعدتر بود.

من بر اثر توزق مآخذی معدود و محدود تاکنون به این نتیجه رسیده‌ام - و شاید هم به نتیجهٔ درست و قاطعی نرسیده باشم - که در دورهٔ سلطنت سی‌ویک سالهٔ شاهجهان، سی‌وهشت کتاب تاریخ - به نظم و نثر - به زبان فارسی تدوین و تألیف شده که سیزده عنوان از آنها مستقیماً تاریخ دورهٔ شاهجهان است. از آن میان، دو کتاب هر چند تاریخ شاهجهان نیست، ولی یکی از آنها به نام چهار چمن، تألیف چندربهان برهمن، به نحوی دارای اطلاعات گرانبهای تاریخی است، و دیگری تلخیص شاهنامهٔ فردوسی است به نام تاریخ شمشیرخانی، از توکل بیگ که به سال ۱۰۶۳ ه.ق صورت گرفته است، و بقیه دربارهٔ فتوحات شاهجهان، احوال بانو ممتاز محل، یا احوال گرفتن بلخ و موضوع‌هایی از این قبیل که می‌توان گفت تواریخ مقطعی دورهٔ شاهجهان است.

در میان سیزده عنوان کتابی که مستقیماً با شاهجهان و سلطنت او در ارتباط اند سه کتاب اعتبار بیشتری دارند: یکی پادشاه‌نامهٔ محمدامین قزوینی است که به نام «شاهجهان‌نامه» و گاهی «تاریخ ده سالهٔ شاهجهانی» هم نامیده شده، اما چنانکه مؤلف آن نیز نوشته است، شاهجهان خود آن را «پادشاه‌نامه» خوانده است و تألیف آن در ۱۰۴۷ ه.ق صورت گرفته؛ دیگر «پادشاه‌نامه» عبدالحمید لاهوری است که آن هم به نام «شاهجهان‌نامه» شهرت داشته و در سال ۱۰۵۸ ه.ق تألیف شده است؛ سه دیگر «پادشاه‌نامه» محمد وارث لاهوری است که شامل دههٔ سوم سلطنت شاهجهان و در واقع ذیل پادشاه‌نامهٔ عبدالحمید لاهوری است و در ۱۰۶۷ ه.ق تألیف شده است. پس از تألیف این سه کتاب و آن ده کتاب دیگر که نام نمی‌برم، کتابی دیگر به نام «ملخص» تلخیص و تدوین شده که تاکنون به زیور طبع آراسته نشده است. کتاب ملخص چند برتری ممتاز دارد:

اولاً بعد از تدوین دوازده کتاب مستقل دربارهٔ تاریخ عهد شاهجهان تألیف شده است. ثانیاً متکی بر معلومات مندرج در سه کتاب معتبر تاریخی دورهٔ شاهجهان است. ثالثاً مؤلف کتاب از خویشاوندان شاهجهان و از ندیمان او بوده است. رابعاً تاریخ ملخص به زبانی شسته و پیراسته به رشتهٔ تألیف در آمده است تا به گفتهٔ

مؤلف آن فوایدش عام را شامل شود.

### خاندان مؤلف

جدّ مؤلف، خواجه ابوالحسن تربتی، از مردم تربت حیدریّه خراسان بود که در عهد اکبر شاه به هندوستان رفت و به وزارت شاهزاده دانیال و دیوان کلی دکن منصوب شد. وی مردی درستکار بوده، کارها را با دیانت انجام می‌داده، ولی به ترشرویی و درشتخویی اّصاف داشته است. خواجه ابوالحسن در سال ۱۰۴۲ ه.ق. / ۱۶۳۲ م در سنّ هفتاد سالگی دار دنیا را وداع گفته است. ابوطالب کلیم دربارهٔ تاریخ مرگ او این مصرع را مادهٔ تاریخ گفته است: «با امیرالمؤمنین محشور باد.» وی در لاهور دفن شده است.

پدر مؤلف ظفرخان احسن است که نام اصلی او احسن الله و لقب او ظفرخان بوده است. ظفرخان بنا به تحقیق، در سال ۱۰۱۴ ه.ق. / ۱۶۰۴-۱۶۰۵ م تولّد یافته و حدس می‌زنند که مولد او هندوستان بوده است، هر چند که بعضی از تذکره‌نویسان او را تربتی و سبزواری هم نوشته‌اند، اما احتمالاً این بدان سبب بوده که پدر وی از اهالی تربت در ایالت خراسان بوده است.

ظفرخان احسن، بنا به صحیح‌ترین اقوال، در سال ۱۰۷۳ ه.ق. / ۱۶۶۳ م درگذشته و آرامگاه او در لاهور در محلی به نام مغلیوره است.

آثار بر جای مانده از ظفرخان احسن عبارتند از: کلیّات اشعار وی، همو دستور داده بود کتابی به نام احسن الحکایات گردآوری کنند، تنها نسخهٔ آن در کتابخانهٔ بانک پور است؛ کتاب دیگر احسن الدّعوات است که نسخهٔ منحصر به فرد آن به شمارهٔ ۸۲۴ در کتابخانهٔ مجلس تهران است. ظفرخان مجموعه‌یی از اشعار شاعران معاصر خود را گردآوری کرده بود و بر پشت اوراق منتخب تصویر شاعر را هم ثبت کرده بوده است. این مجموعهٔ اشعار متأسّفانه تاکنون در هیچ کتابخانه‌یی به دست نیامده است.

اما مؤلف:

همهٔ ماخذ نام او را میرزا محمدطاهر نوشته‌اند، فقط در تذکرهٔ کشمیر نام او به صورت عنایت الله آمده است. «آشنا» تخلص اوست. تولّدش در سال ۱۰۳۷ ه.ق. / ۱۶۲۷ م - در سال جلوس شاهجهان - بوده است. مادرش، بزرگ خانم خواهرزادهٔ ممتاز

محلّ، ملکه محبوب شاهجهان است. کتاب‌های تاریخ و تذکره‌ها دربارهٔ تعلیم و تربیت میرزا محمدطاهر سکوت کرده‌اند، اما معلوم است که وی در محضر پدری سخنور و شاعر پرور و سیاستمدار چون ظفرخان احسن که استاندار کشمیر بوده، ادب آموخته و فرهیخته شده است. میرزا محمدطاهر شیعه بوده و مدایحی دربارهٔ اهل بیت رسالت دارد. وی نخست به مقام داروغگی حضور (وزارت دربار) رسید و سپس در سال ۱۶۰۸ ه.ق / ۱۶۵۸ م به منصب داروغگی کتابخانه سلطنتی منصوب شد. تاریخ درگذشت او را ۱۰۷۷ ه.ق / ۱۶۶۶-۱۶۶۷ م یا ۱۰۸۱ ه.ق / ۱۶۷۰-۱۶۷۱ م دانسته‌اند.

### آثار میرزا محمدطاهر:

از میرزا محمدطاهر آشنا سه اثر در دست است:

۱. دیوان آشنا شامل قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و رباعی که مجموع آنها بالغ بر ۳۷۵۲ بیت است. نسخه‌های آن در کتابخانه‌های هندوستان و خارج موجود است. او در شعر مضامینی دقیق به کار برده و چون دیگر شاعران هندی به تمثیل یا ارسال‌المثل توجه داشته است و این نکته قدرت و تسلط او را به زبان فارسی نشان می‌دهد. این دو بیت نغز از اشعار اوست:

دولت به وقت تیرگی بخت نکبت است      جاروب وقت شام پریشانی آورد  
الفت میانۀ دو ستمگر نمی‌شود      دندان مار دسته خنجر نمی‌شود

۲. تاریخ فرحبخش یا قرینه، تاریخ پادشاهی تیموریان است تا سال ۱۰۴۵ ه.ق.

۳. ملخص - کتاب مورد بحث این گفتار - که میرزا محمدطاهر در زمان ریاست کتابخانه سلطنتی به تلخیص و تدوین آن پرداخته است. خود در مقدمه کتاب چنین می‌نویسد:

«به سمع ارباب خبرت و بصیرت می‌رساند که چون این کمترین در ربیع‌الاول سنه سی و یک جلوس همایون چتر و جم قدر سلیمان حشمت پادشاه فریدون فرسکندر شوکت، خاقان بیهمال دربانوال، ملک طینت فرشته خصال، فروغ باصره مردمی و مردم، ستوده کریمه اولوالامر منکم، زیب سریر خلافت و جهان پناهی، شایسته خطاب مستطاب ظلّ اللّهی، پیرو شریعت غزای مصطفوی، مروّج ملت بیضای نبوی، فخر

دودمان گورکانی، ممتاز عقاب صاحبقرانی، ضرب المثل، دستورالعمل در عدوگدازی و مسکین نوازی، ابوالمظفر شهاب الدین محمد، صاحبقران ثانی، شاهجهان، پادشاه غازی - خلد الله ملکه ابداً - موافق ثمان و ستین و الف هجری در پیشگاه خلافت به خدمت داروغگی کتابخانه سرکار خاصه شریفه بین الاقرا ن اختصاص یافت و در بیت الکتب معلی ادوار ثلاثه پادشاه نامه نوشته عبدالحمید لاهوری و غیره را که هر دوران مشتمل بر احوال ده سال جلوس میمنت مانوس بندگان اشرف است و مجموع آن سوانح یک قرن می شود که عبارت از سی سال باشد [البته قرن واحدی از زمان است که مدت آن سی سال است. اخیراً قرن به معنی صد سال رایج شده و به این معنی به کار می رود] و چهار سال آخر آن را بعد از فوت او دیگران نوشته اند، به نظر امعان در آورد و عبارت آن را بنسبیر پرتکلف و به شرح و بسط دید، به خاطر رسانید که چون در عهد عرش آشیانی جلال الدین محمد اکبر پادشاه - طاب مئواه - با وجود شیخ ابوالفضل که به تحریر اکبرنامه مأمور بود، خواجه نظام الدین احمد بخشی [مقصود خواجه نظام الدین احمد هروی است که در سال ۱۰۰۲ ه. ق طبقات اکبری را تألیف کرده است] نیز دفتر علی حده از وقایع سلطنت اکبری به قید تحریر در آورده است و طبقات اکبرشاهی نام کرده، و جنت مکانی نورالدین محمد جهانگیر پادشاه با آنکه نسبت فردوس مکانی ظهیرالدین محمد بابر پادشاه - انار الله برهانها - عمل نموده سوانح عهد خلافت خود را خود مسوده فرموده اند، معتمد خان بخشی نیز احوال آن حضرت را نوشته و به اقبالنامه جهانگیری موسوم ساخته و غیرت خان نقشبندی خلاصه وقایع زمان دولت آن حضرت را جمع نموده به مآثر جهانگیری موسوم ساخته، اگر راقم هم که ابا جدد نمک پرورده این دودمان خواقین نشان است، به تحریر سوانح دولت ابدی الاتصال شاهجهان پردازد و در تلخیص آن کوشیده و خلاصه احوال و معظم امور از مجلد سه گانه پادشاهنامه شیخ عبدالحمید مذکور بدو نویسد و به عبارات واضح در آورده، تاریخ مختصری ترتیب دهد، فضولی نکرده خواهد بود بلکه در این صورت فواید آن [به] عموم هم خواهد رسانید، لهذا شروع در این امر نموده، در عرض اندک فرصتی به توفیق الله تعالی فارغ گردید».

میرزا محمد طاهر در تدوین کتاب ملخص، اولاً صادقانه اعتراف کرده است که کتاب تألیف خود وی نیست، بلکه تلخیصی از فلان و فلان کتاب است، ثانیاً در کار تلخیص

امانت را رعایت کرده و ثالثاً شیوهٔ واضح نویسی را مد نظر داشته، رابعاً هر جا روش کار مؤلفان پیشین را با اسلوب خود منطبق و موافق یافته، تغییری روا ندانسته است، خامساً - به گفتهٔ خود او - به سبب التزام اختصار به تفصیل نپرداخته، بلکه به تحریر وقایع عظیم اکتفا کرده است. خود در مقدمهٔ کتابش می‌نویسد:

«از سال چهارم جلوس تا دهم، بیشتر از روی پادشاه‌نامه، نوشتهٔ محمدامین قزوینی، مشهور به انتهای منشی [این غلط کاتب است، مقصود امینای منشی است که پادشاه‌نامه را در ۱۰۴۷ هجری تدوین کرده است] که واضح‌تر است، نوشته شده، چون ملخص وقایع تحریر یافته، این نسخه را ملخص موسوم گردانید. مخفی نماند که چون در تألیف این صحیفهٔ گرامی اصل مدعا اختصار و تبدیل عبارات مغلظه بود، هر جا سخن توضیح داشت، تمثیل آن معاوضه نمودن، تحصیل لا حاصل دانسته، به جنس [ظاهراً به عین] نقل نموده...»

میرزا محمدطاهر در این کتاب علاوه بر پادشاه‌نامه‌های سه گانه، از واقعات بابر، اکبرنامهٔ ابوالفضل، طبقات اکبرشاهی، اقبالنامهٔ جهانگیری و مآثر جهانگیری هم سود برده است. او کتاب خود را به سه بخش تقسیم کرده و در هر بخش حوادث ده سالهٔ سلطنت شاهجهان را به شیوهٔ سالنامه نگاری آورده و در پایان هر بخش شرح احوال رجال مربوط به آن بخش را نیز ضمیمه کرده است. در خاتمهٔ بخش سوم اطلاعات ارزشمند جغرافیایی دربارهٔ استان‌های هندوستان و آب و هوای شهرها، محصولات آنها، میزان درآمد سالانه، تعداد دام‌های هر شهر و معلومات دیگر به دست داده است.

### ارزش کتاب:

مهم‌ترین ارزش کتاب این است که جامع‌ترین کتاب‌های تاریخی مربوط به دورهٔ سلطنت شاهجهان است. اگرچه مؤلف در دههٔ اول و دوم سلطنت شاهجهان تا حدی به اختصار گراییده ولی تاریخ دههٔ سوم - یعنی از ۱۰۵۷ تا ۱۰۶۷ هجری - را به تفصیل تمام شرح داده است و با آنکه بخش اعظم مطالب خود را از سه کتاب محمدامین قزوینی، عبدالحمید لاهوری و محمد وارث اخذ کرده، مطالب و اخبار سودمندی هم که متکی بر اطلاعات شخصی وی بوده، بر آن افزوده است.

دیگر اینکه مؤلف خود و پدرش در دستگاه شاهجهان مقامی ارجمند داشته‌اند و اصلاً حیات مؤلف مصادف با دوره سلطنت شاهجهان - یعنی از ۱۰۳۷ تا ۱۰۶۸ هجری بوده است و طبعاً اطلاعاتی که او به دست داده است، اطلاعاتی دست اول و مستند و معتبر شمرده می‌شود.

دیگر اینکه کتاب وی به زبانی سهل و قابل فهم و به دور از آرایه‌های لفظی و معنوی و عبارت‌پردازی‌های ملال‌آور به رشته تحریر در آمده است، و چنانکه مؤلف خود نیز ادعا کرده است، کتاب او چنان است که فهم آن برای عموم ممکن است.

#### نسخه‌ها و ترجمه‌های کتاب:

این کتاب به وسیله شخصی به نام سرگرد فلر به انگلیسی ترجمه شده و ترجمه آن به صورت نسخه خطی در کتابخانه موزه بریتانیا باقی مانده است.<sup>۱</sup>  
نسخه‌های این کتاب - تا جایی که برای من معلوم شده - در کتابخانه‌های مختلف بر جای مانده است که از این قرار است:

۱. نسخه‌یی به شماره ۳۳۱ در کتابخانه انجمن آسیایی هند که در سال ۱۱۵۵ هجری استنساخ شده و اته آن را در فهرست انجمن آسیایی هند معرفی کرده است.
۲. نسخه دیگر را ریو در جلد اول، صفحه ۲۶۱ ب، فهرست نسخ خطی فارسی موزه بریتانیا معرفی کرده است که در قرن ۱۲ هجری استنساخ شده است.
۳. نسخه دیگر به شماره ۵۶۸ در کتابخانه بانکی پور است که در قرن ۱۳ هجری استنساخ شده است.

۴. نسخه دیگر به شماره Or. ۱۷۵ در کتابخانه بریتانیا است. نویسنده این سطور به عنایت دوست دانشمند و ارجمند مرحوم جناب پروفیسور محمد اسلم خان، رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دهلی، فقط عکسی از همین نسخه را در دست داشته که اینک اجمالاً به توصیف آن می‌پردازد:

این نسخه به خط نستعلیق خواناست، تاریخ استنساخ و نام کاتب ندارد، اما چنانکه در

۱. ضمیمه فهرست موزه بریتانیا، ش ۳۰۷۷۷، به نقل از تاریخ نویسی در هندوستان و پاکستان، صفحه ۳۵۷.

ظهريه کتاب از سوی کتابخانه بریتانیا افزوده‌اند، ظاهراً از کتب قرن ۱۲ هجری (۱۸ میلادی) است، ۴۶۴ ورق (یعنی ۹۲۸ صفحه) دارد، قطع درونی آن ۱۶/۵×۷/۵ سانتی‌متر است، در هر صفحه ۱۵ سطر دارد، مقابله شده و اصلاحات در بالای کلمات و یا در هامش کتاب افزوده شده است، فهرستی در آغاز کتاب دارد، ولی به صفحات آن در فهرست اشاره نشده است. در بالای فهرست این عبارات دیده می‌شود: «فهرست کتاب ملخص تواریخ شاهجهان، تصنیف محمدطاهر و موسوم به ملخص است این کتاب».

در ظهريه بعد از فهرست و پیش از شروع متن کتاب این دو عبارت به چشم می‌خورد: «تواریخ کتاب شاهجهانی تصنیف محمدطاهر» و در هامش «نسخه ملخص در علم تاریخ مشتمل بر ذکر شاهجهان تصنیف محمد متخلص به آشنا، المخاطب به عنایت‌خان».

اگر تعداد صفحات کتاب را که ۹۲۸ صفحه است و قطع نسخه را که ۱۶/۵×۷/۵ سانتی‌متر است و اندازه قلم کاتب را که به حساب چاپخانه‌ی ۱۳ یا ۱۴ پنط است و هم چنین تعداد هر صفحه را که حاوی ۱۵ سطر است، به حساب سرانگشتی محاسبه کنیم و کتاب را به قطع وزیری متوسط در ۲۰×۱۲ سانتی‌متر به قلم ۱۲ پنط به چاپ برسانیم که هر صفحه ۲۶ سطر داشته باشد، بدون احتساب صفحات پیشگفتار و فهرست‌های گوناگون پایان کتاب، کتابی در حدود ۵۲۰ صفحه، بلکه کمتر، در دست خواهیم داشت. حق به جانب مرحوم میرزا محمدطاهر است که برای کتاب خود اسم با مسمای «ملخص» را برگزیده است. این کتاب واقعاً ملخص تواریخ دوره شاهجهانی است. اما به هر دلیلی که باشد، تصحیح و چاپ این کتاب تاکنون مورد عنایت هیچ‌یک از محققان و مورخان قرار نگرفته است. جا دارد دانشمندانی که در زمینه تاریخ به پژوهش مشغولند، تصحیح انتقادی این کتاب مفید تاریخی را وجهه همت خود قرار دهند و آن را به صورتی شایسته به چاپ برسانند.



## کتابشناسی

- آفتاب اصغر (۱۳۶۴): تاریخ نویسی در هند و پاکستان، لاهور، خانهٔ فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.
- فهرست بانکی پور، جلد ۷، هند، ۱۹۲۱.
- لاهوری، یمین خان (۱۹۷۱م): تاریخ شعر و سخنوران فارسی در لاهور، کراچی.
- محمد اسلم خان (۱۳۵۵): تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ظفرخان احسن، دهلی، اندوپرشین سوسائتی.
- محمد اسلم خان (۱۳۶۴): مثنویات ظفرخان احسن، دهلی، اندوپرشین سوسائتی.
- منزوی، احمد (۱۳۶۲): فهرست مشترک نسخه‌های خطی پاکستان، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- منزوی، احمد [بی تا]: فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، مؤسسهٔ فرهنگی منطقه‌یی، جلد ۶.
- میرزا محمد طاهر آشنا: ملخص، عکس شمارهٔ Or. ۱۵۷ در موزهٔ بریتانیا.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۰): ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران، نشر هما.